

## مفهوم‌ها و یادآوری:

کاربردها **اسم: کلمه‌ای است که برای نامیدن هر چیزی استفاده می‌شود، دارای معنی مستقل می‌باشد ولی زمان ندارد.****اسم (از لحاظ جنس) (۱) مذکر:** برای نامیدن جنس نر استفاده می‌شود. مثل: رَجُل(۲) **مؤنث:** برای نامیدن جنس ماده استفاده می‌شود. مثل: إمرأة

یکی از نشانه‌های اسم مؤنث، تاء گرد (ة ة) در آخر کلمه است.

البته هر اسمی که (ة ة) داشته باشد حتماً مؤنث نیست و بالعکس هر اسمی که (ة ة) ندارد حتماً مذکر نیست.

**اسم از لحاظ عدد (۱) مفرد:** اسمی که بر یک فرد از هر چیزی دلالت می‌کند.(۲) **مثنی:** اسمی که بر دو نفر از هر چیزی دلالت می‌کند.(۳) **جمع:** اسمی که بیانگر سه نفر یا بیش‌تر از هر چیزی باشد.**نشانه‌های اسم مثنی: (۱) ان**

(۲) - ین

هر اسم مفردی با اضافه شدن یکی از دو نشانه‌ی بالا مثنی می‌شود و بر دو نفر از آن اسم دلالت می‌کند.

مثال: کتاب؛ کتابی (یک کتاب)، کتابان - کتابین: دو کتاب

فرقی بین نشانه‌های مثنی نیست، فقط به‌ذکر این نکته بسنده می‌کنیم که در ابتدای جمله از «ان» برای مثنی کردن اسم استفاده می‌شود.

**انواع جمع (۱) سالم:** جمعی که در زمان جمع بستن شکل مفرد و اولیه‌ی آن تغییر نمی‌کند.(۲) **مکسر:** جمعی که در زمان جمع بستن شکل اولیه‌ی کلمه تغییر می‌کند.**جمع سالم مذکر:** با اضافه شدن (۱) ون (۲) ین به آخر مفرد مذکر ساخته می‌شود.

مثال: مؤمن ← مؤمنون / مؤمنین

**جمع سالم مؤنث:** با اضافه شدن «ات» به آخر مفرد مؤنث (به‌شرط حذف «ة ة» از آخر آن) ساخته می‌شود.

مثال: مُسَلِّمَةٌ ← مُسَلِّمَاتُ

**اسم اشاره:** برای نشان دادن چیزهایی که در نزدیکی ما یا دور از ما قرار دارند از اسم اشاره استفاده می‌شود.

جمع	مثنی	مفرد	اسم اشاره		
هؤلاء	هذین	مذکر: هذا		نزدیک	مثال: هذا قلمٌ
هؤلاء	هاتین	مؤنث: هذه		دور	هذه منضدةٌ
أولئك		مذکر: ذلک			ذلک جدارٌ
أولئك		مؤنث: تلک		تلک نافذةٌ	

التمرین الأول

کلمه‌های داده شده را در جای مخصوص خود بنویسید.

« الطَّابُ - المَحْصُولُ - فَلَاحَانٍ - الحَقِيبَةُ - الصِّيَادِينُ - السَّيِّدَاتُ - عَالَمَتَيْنِ »

مفرد مذکر	مفرد مؤنث	مثنی مؤنث	مثنی مذکر	جمع مذکر سالم	جمع مؤنث سالم	جمع مکسر
.....	.....	.....	.....	.....	.....	.....

التمرین الثانی

در جای خالی جمله‌های زیر اسم اشاره‌ی مناسب بنویسید.

(۱) ..... أَخَوَاتِي فِي الْمَدْرَسَةِ. (نزدیک)

(۲) ..... زَارِعٌ قَوِيٌّ. (دور)

(۳) ..... الطَّالِبَتَانِ فِي الشَّارِعِ. (نزدیک)

(۴) ..... وَرْدَةٌ جَمِيلَةٌ. (نزدیک)

(۵) ..... الْمَدْرَسَانِ فِي الصَّفِّ. (نزدیک)

(۶) ..... أَوْلَادُ الرَّجُلِ. (دور)

التمرین الثالث

غلط‌های موجود در جمله‌های زیر را اصلاح کنید و در مقابل جمله بنویسید.

(۱) هذا البيتَانِ فِي الشَّارِعِ. (۱ غلط) ← .....

(۲) هذه العلماءُ مُوقَّفُونَ. (۱ غلط) ← .....

(۳) هَاتَانِ لَاعِبَتَيْنِ فَائِزَتَيْنِ (۲ غلط) ← .....

(۴) تلك الكتابُ مفيدةٌ. (۲ غلط) ← .....

(۵) هذانِ المعلمونَ ناجحانِ (۱ غلط) ← .....



کلمه‌های پرسشی

**هل - أ:** این کلمه‌ها به معنی «آیا» هستند. در پاسخ به سؤال‌هایی که با این دو کلمه پرسیده می‌شوند از کلمه‌ی «نعم»، وقتی پاسخ مثبت باشد و از کلمه‌ی «لا» وقتی پاسخ منفی باشد، استفاده می‌شود.

**من:** برای سؤال درباره‌ی اشخاص از این کلمه که به معنی: (کیست؟ چه کسی؟...) می‌باشد. یا «من هو؟ و من هی؟» استفاده می‌شود. برای سؤال در مورد مالکیت از کلمه‌ی «لمن» استفاده می‌شود.

**ما:** برای سؤال درباره‌ی اشیاء از این کلمه که به معنی (چیست؟ چه چیزی؟) یا کلمه‌ی «ماذا» استفاده می‌شود.

**أین:** برای سؤال درباره‌ی محل و مکان هر چیزی و یا هر کسی از این کلمه که به معنی (کجاست؟) استفاده می‌شود. برای پاسخ به چنین سؤال‌هایی از کلمه‌هایی که بیانگر مکان و محل می‌باشند کمک می‌گیریم این کلمات عبارتند از: «علی - فوق - تحت - خلف - وراء - فی - عند و...»

برای این که بدانیم کسی «اهل کجاست» از کلمه‌ی پرسشی «من أين» استفاده می‌کنیم.

**کم:** از این کلمه که به معنی (چند؟) می‌باشد برای سؤال درباره‌ی تعداد هر چیزی استفاده می‌کنیم.



در جای خالی جمله‌های زیر کلمه‌ی پرسشی مناسب بنویسید.

- (۱) . . . . الرجل؟ فی البیت.
- (۲) . . . . عدد شهور السنّة؟ اثنا عشر.
- (۳) . . . . فی الصورة؟ الكتاب.
- (۴) . . . . السیارة؟ لأبی.
- (۵) . . . . هذه شجرة الرمان؟ لا، هذه شجرة العنب.
- (۶) . . . . أنت؟ أنا مدير المكتب.
- (۷) . . . . هو؟ من العراق.
- (۸) . . . . هذه البنت؟ هی أخت حامد.



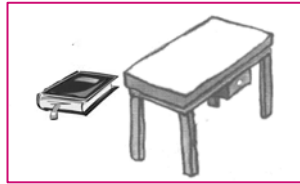
التمرین الخامس

با استفاده از کلمه‌های پرسشی برای هر تصویر دو سؤال و جواب بنویسید.



١- الف) .....؟.....

ب) .....؟.....



٢- الف) .....؟.....

ب) .....؟.....



٣- الف) .....؟.....

ب) .....؟.....



التمرین السادس

گزینه‌ی مناسب را انتخاب کنید.

- |                          |                       |                          |                          |
|--------------------------|-----------------------|--------------------------|--------------------------|
| <input type="checkbox"/> | الجوّال تحت المنضدة.  | <input type="checkbox"/> | السَّيِّد هاشمي.         |
| <input type="checkbox"/> | الأولادُ في الشَّارع. | <input type="checkbox"/> | ستةُ أولادٍ.             |
| <input type="checkbox"/> | هي عالمة.             | <input type="checkbox"/> | المرأةُ مِنَ المَشْهَدِ. |
| <input type="checkbox"/> | الطفل بين الأشجار.    | <input type="checkbox"/> | الکُتُبُ                 |
| <input type="checkbox"/> | هُوَ مصريُّ           | <input type="checkbox"/> | أنا مِنَ ايران           |

١) لِمَنْ ذَلِكَ الجوّال؟

٢) كَم ولدًا في الشَّارع؟

٣) مَن تلك المرأة؟

٤) مَا هُوَ حَوْلَ الطِّفْلِ؟

٥) مَنِ أَيْنَ أنت؟

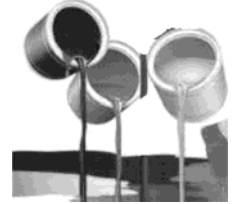


التمرين السابع

تعداد هر تصوير را زير آن بنويسيد.



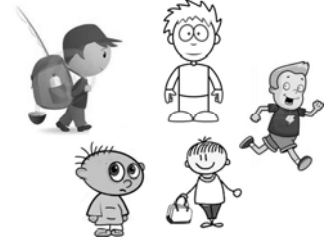
..... نملة



..... ألوان



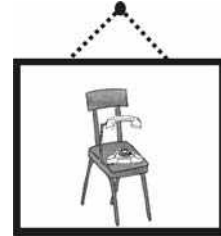
..... رسالتان



..... أولاد



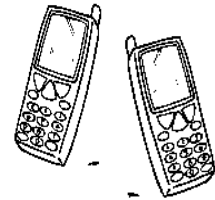
..... رجلاً



..... لوحة



..... حقائب



..... جوالان



◀◀ **ضمیر:** کلمه‌ای که جانشین اسم می‌شود و از تکرار آن جلوگیری می‌کند.

ضمیرها در هر دو زبان فارسی و عربی به صورت پیوسته (متصل) و جدا (منفصل) هستند.

تعداد ضمیرهای منفصل در زبان عربی در مقایسه با زبان فارسی بیش‌تر است.

### چهارده ضمیر منفصل عبارتند از:

متکلم	مخاطب			غایب		
أنا	أنتم	أنتما	أنتَ	هم	هما	هُوَ
نحن	أنتنَّ	أنتما	أنتِ	هُنَّ	هُما	هِيَ

چون در زبان فارسی اسم به مذکر و مؤنث تقسیم نمی‌شود، هم‌چنین در زبان فارسی مثنی نداریم. بنابراین تعداد ضمیرها در فارسی کم‌تر است.

◀◀ **ضمیرهای متصل:** این ضمیرها به دو دسته تقسیم می‌شوند، یک نوع از این ضمیرها فقط به فعل می‌پیوندند و نوع دیگری از این

ضمیرها به هر سه نوع کلمه، یعنی اسم، فعل و حرف متصل می‌شوند. این ضمیرها نیز چهارده ضمیرند که عبارتند از:

ه: ش، او را	هُما: شان، آن دو را	هُم: شان، آن‌ها را	} غایب
ها: ش، او را	هُما: شان، آن دو را	هُنَّ: شان، آن‌ها را	
ک: ت، تورا	کُما: تان، شما دو نفر	کُم: تان، شما را	} مخاطب
ک: ت، تورا	کُما: تان، شما دو نفر	کُنَّ: تان، شما را	
سی: م، مرا	نا: مان، ما را		} متکلم

**مثال:** کتابه: کتابش / نصره: یاری کرد او را یا او را یاری کرد.

**نکته:** وقتی در سؤال ضمیر غایب باشد، معمولاً در جواب ضمیر غایب می‌آید و اگر در سؤال ضمیر مخاطب باشد، معمولاً در جواب

ضمیر متکلم می‌آید.



### التمرین الثامن

در جمله‌های زیر انواع ضمیر را بیابید و در مقابل جمله بنویسید.

- ۱) ما اسمُک؟ إسمی ناصرٌ. ← .....
- ۲) هُنَّ واقفاتٌ جنبَ أولادِهِنَّ. ← .....
- ۳) أولئک أصدقاؤنا. هُم فائزونَ. ← .....
- ۴) جرم اللسانِ صغیرٌ و جرْمُهُ کبیرٌ ← .....
- ۵) ماذا سألک؟ هُو سألَ ما هِیَ واجباتنا؟ ← .....
- ۶) مِن أينَ أنتم؟ نحنُ مِن شیراز ← .....



### التمرین التاسع

جمله‌های زیر را براساس ضمیرهای داخل پرانتز بازنویسی کنید.

- الف) أنتِ ناجحةٌ و هذه هدیّتی. (أنا) ← .....
- ب) هُم جالسونَ أمامَ بیْتهم. (أنتم) ← .....
- ج) نحنُ صدیقانِ مخلصانِ و ذلك بیْتنا. (هُما) ← .....
- د) هُنَّ طیبیاتٌ معروفاتٌ و ذلك بیْتهنَّ. (أنتم) ← .....



### التمرین العاشر

با توجه به ترجمه جاهای خالی جمله‌های زیر را با ضمیر مناسب کامل کنید.

- ۱) من در اتاق پدرم هستم. (..... فی غرفة أب.....)
- ۲) کتاب تو زیر تلفن همراه اوست. (کتابٌ..... تحت جِوَال.....)
- ۳) شما در کنار خانه‌ی ما ایستاده‌اید. (..... واقفان جنب بیت.....)
- ۴) آن‌ها دوستان تو هستند. (..... أصدقاؤ.....)
- ۵) دوستم همراه پدرش بود. (صدیق..... کان مع أبی.....)

«فعل»: کلمه‌ای که بر انجام شدن کاری، روی دادن و یا پدید آمدن یک حالتی در یکی از زمان‌های گذشته، حال و آینده دلالت

می‌کند.

«فعل ماضی»: فعلی که بیانگر انجام شدن کاری، روی دادن و یا پدید آمدن حالتی در زمان گذشته باشد، فعل ماضی است.

فعل ماضی که از ترکیب ریشه‌ی فعل (بن ماضی) و اضافه کردن علامت صیغه‌ها به دست می‌آید، دارای چهارده صیغه می‌باشد.

هر کلمه از جمله فعل ماضی در زبان عربی دارای وزن و آهنگ است. معیار وزن کلمات در عربی، کلمه‌ی «فعل» می‌باشد و فعل

ماضی معمولاً بر یکی از سه وزن «فَعَلَ - فَعِلَ - فَعُلَ» می‌باشد.

فعل ماضی فقط بر فعل‌های مثبت دلالت نمی‌کند، بلکه فعل‌های ماضی منفی نیز وجود دارند که با اضافه کردن حرف نفی «مَا» به اول

فعل ماضی ساخته می‌شوند.

فَعَلَ + ۱) فَعَلُوا	فَعَلَ + ۱) فَعَلَا	غایب
فَعَلَ + نَ فَعَلْنَا	فَعَلَ + تَا فَعَلْتَا	
فَعَلَ + تُمْ فَعَلْتُمْ	فَعَلَ + تُمْ فَعَلْتُمْ	مخاطب
فَعَلَ + تَنْ فَعَلْتَنْ	فَعَلَ + تَنْ فَعَلْتَنْ	
	فَعَلَ + تْ فَعَلْتْ	متکلم
	فَعَلَ + نَا فَعَلْنَا	



### التمرین الحادی عشر

شکل صحیح افعال داخل پرانتز را در جای خالی جمله‌های زیر بنویسید.

- ۱) أحمدٌ و حامدٌ ..... درَسَهُمَا. (كَتَبَ)
- ۲) الفَّلَّاحُ و أولادُهُ ..... شجرةً. (قَطَعَ)
- ۳) أنا و أُسرتي ..... في البيتِ. (دَخَلَ)
- ۴) أنتِ و جدُّكِ ..... في الشارعِ. (ماضی منفی «بَقِيَ»)
- ۵) أيُّهَا المسافرونَ أ ..... الملابسِ؟ (غَسَلَ)
- ۶) هُوَ و أصدقاؤه ..... العَلَمِ. (ماضی منفی «رَفَعَ»)



### التمرین الثانی عشر





در جمله‌های زیر فعل‌هایی که بر وزن «فَعَلَ، فَعِلَ و فَعُلَ» هستند را پیدا کنید و در جای مخصوص خود بنویسید.

(۱) ذَهَبْتُ مَعَ صَدِيقَاتِي إِلَى السُّوقِ.

(۲) مِنْ أَيْنَ أَخَذْتَ قَمِيصَكَ؟

(۳) لَعِينًا مَعَ أَصْدِقَائِنَا فِي الْحَدِيقَةِ.

(۴) أَنَا قَرِيبٌ مِنَ الْقَرْيَةِ أَمْسٍ.

(۵) مَا نَدِمَ النُّجَّارُ مِنْ عَمَلِهِ.

(۶) هَلْ إِشْتَرَيْتَ شَيْئًا؟ لَا.

(۷) مَا قَرَأْنَا شِعْرًا فِي الْمَدْرَسَةِ.

(۸) هُوَ بَعْدَ مِنَ الْمَدِينَةِ.

فَعَلَ ←

فَعَلَ ←

فَعَلَ ←



جاهای خالی جمله‌های زیر را با توجه به کلمه‌ی داخل پرانتز کامل کنید.

(۱) . . . . قَرَأْنَا أَشْعَارًا فِي الْمَدْرَسَةِ. (ضمير منفصل)

(۲) أَنْتُمْ . . . . . مِنَ الصَّفِّ. (فعل ماضی خَرَجَ)

(۳) . . . . . دَخَلْتَ صَفًّا . . . . . (ضمير منفصل - ضمير متصل)

(۴) هُمْ قَالُوا . . . . . صَوْتِكَ يَا حَامِدُ. (فعل ماضی سَمِعَ)

(۵) الْفَلَّاحَةُ . . . . . الرِّيحَانَ فِي مَزْرَعَتِهِ. . . . . (فعل ماضی زَرَعَ - ضمير متصل)

(۶) هِيَ . . . . . عِلْمَ آيْرَانَ. (فعل ماضی مَنْفَى رَفَعَ)

(۷) . . . . . هُ أَؤْمُ . . . . . : مَا هِيَ وَاجِبَاتُكَ؟ (فعل ماضی از سَأَلَ - ضمير متصل)

رنگ‌ها - فصل‌ها - روزهای هفته

رنگ‌های اصلی عبارتند از: أَسْوَد (سیاه، مشکی)، أَبْيَض (سفید)، أَحْمَر (قرمز، سرخ)، أَخْضَر (سبز)، أَزْرَق (آبی)، أَصْفَر (زرد). این رنگ‌ها به شکل مذکر برای بیان رنگ اسم‌های مذکر می‌آیند و برای بیان رنگ اسم‌های مؤنث به شکل مؤنث، یعنی: «سَوْدَاء، بَيْضَاء، حَمْرَاء، خَضْرَاء، زَرْقَاء، صَفْرَاء» می‌آیند.

مثال: لَوْنُ الرَّمَّانِ أَحْمَرٌ. السَّمَاءُ زَرْقَاءُ.

فصل‌های سال به ترتیب عبارتند از:

**الرَّيْبِعُ:** اولین فصل سال و فصل زیبایی و زندگی تازه است.

**الصَّيْفُ:** فصل دوم و فصل گرما و میوه‌های خوشمزه است.

**الخَرِيفُ:** فصل سوم سال و فصل برگ‌ریزان است.

**الشِّتَاءُ:** چهارمین فصل سال و فصل برف و سرماست.

روزهای هفته به ترتیب عبارتند از: السَّبْت، الأَحَد، الاثْنَيْن، الثَّلَاثَاء، الأَرْبَعَاء، الخَمِيس، الجُمُعَة.



هر رنگ مربوط به کدام یک از کلمات زیر می‌باشد؟ (مقابل آن بنویسید).

(أَسْوَد، بَيْضَاء، أَصْفَر، سَوْدَاء، أَزْرَق، أَحْمَر، أَخْضَر، زَرْقَاء)

الْوَرْدَة: .....

العِنَب: .....

البَحْر: .....

المَوْز: .....

التَّفَّاح: .....

القَمِيص: .....

السَّمَاء: .....

النَّمْلَة: .....





گزینه‌ی مناسب را انتخاب کنید.

- |                                 |                                   |                                  |                                               |
|---------------------------------|-----------------------------------|----------------------------------|-----------------------------------------------|
| <input type="checkbox"/> الخريف | <input type="checkbox"/> الصيف    | <input type="checkbox"/> الربيع  | (۱) فصل بداية المدرسة : . . . . .             |
| <input type="checkbox"/> الخميس | <input type="checkbox"/> الأربعاء | <input type="checkbox"/> الإثنين | (۲) أمس كان الثلاثاء، غداً يومٌ . . . . .     |
| <input type="checkbox"/> أسود   | <input type="checkbox"/> أبيض     | <input type="checkbox"/> حمراء   | (۳) لونُ الغرابُ : . . . . .                  |
| <input type="checkbox"/> الشتاء | <input type="checkbox"/> الخريف   | <input type="checkbox"/> الربيع  | (۴) فصلٌ بعدَ فصلِ الفواكه اللذيذة: . . . . . |
| <input type="checkbox"/> الأحد  | <input type="checkbox"/> الإثنين  | <input type="checkbox"/> السبت   | (۵) يومان بعد نهاية الأسبوع: . . . . .        |



التمرين السادس عشر

گزینه‌ی درست را با علامت  مشخص کنید.

- |                                                                    |                                                                    |                                       |
|--------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------|---------------------------------------|
| <input type="checkbox"/> الف) آن زنان نشستند.                      | <input type="checkbox"/> ب) آن زنان نشسته‌اند                      | (۱) أولئك الأمهاتُ، جالساتُ.          |
| <input type="checkbox"/> الف) این کشاورزی است که محصول را می‌کارد. | <input type="checkbox"/> ب) این کشاورز محصول را درو کرد.           | (۲) هذه الفلاحةُ حصدتَ المحصولَ.      |
| <input type="checkbox"/> الف) دوستانم در مسابقه موفق نشدند         | <input type="checkbox"/> ب) دوستان من در هیچ مسابقه‌ای موفق نشدند؟ | (۳) أصدقائي ما نَجَحُوا في المسابقةِ. |
| <input type="checkbox"/> الف) او نزد دوستش گفت                     | <input type="checkbox"/> ب) او نزد دوستش رفت و گفت                 | (۴) هي ذهبت عند صديقه وقال.           |
| <input type="checkbox"/> الف) چه کسی برای کمک آمد                  | <input type="checkbox"/> ب) کسی برای کمک نیامد.                    | (۵) ما جاء أحدٌ للمساعدةِ.            |
| <input type="checkbox"/> الف) شما در منزلتان ماندید                | <input type="checkbox"/> ب) شما در منزل می‌مانید.                  | (۶) أنتما بقيتُما في بيتكما.          |



سؤال‌های چهار گزینه‌ای

- ۱- کلمات کدام گزینه مترادف نیستند؟  
 (۱) أمّ / والدة (۲) جميل / قبيح (۳) بُستان / حديقة (۴) خلف / وراء
- ۲- کدام کلمه جمع مکسر نیست؟  
 (۱) أحياء (۲) بنات (۳) أحجار (۴) سنوات
- ۳- کدام گزینه سؤال مناسبی برای جمله‌ی «هذه السيارة للأب» می‌باشد؟  
 (۱) هل هذه السيارة للأب؟ (۲) ما هذه؟ (۳) لمن السيارة؟ (۴) من أين السيارة؟
- ۴- پاسخ مناسب سؤال «من أنت؟» کدام است؟  
 (۱) أنت لاعبة (۲) أنا طبيب (۳) أنا كاتبة (۴) هي عالمة
- ۵- مثنای یک کلمه «لاعبان» است، جمع آن کدام است؟  
 (۱) لاعبون (۲) لاعبين (۳) لاعبات (۴) لاعبين
- ۶- در شمارش کدام یک از گزینه‌های زیر «ة» از آخر عدد (تسعة) حذف می‌شود؟  
 (۱) شهر (۲) كتاب (۳) بنت (۴) باب
- ۷- کدام گزینه از نظر معنا یا دستور زبان با بقیه ناهماهنگ است؟  
 (۱) ماذا (۲) وراء (۳) كيف (۴) أين
- ۸- کدام ضمیر نمی‌تواند به جای کلمه‌ی «الطلاب» در عبارت «الطلاب في المدرسة» قرار گیرد؟  
 (۱) هم (۲) نحن (۳) أنتم (۴) هُنَّ
- ۹- ضمیر «هُما» جانشین کدام گزینه نمی‌تواند باشد؟  
 (۱) أنا و محمد (۲) حامد و ناصر (۳) فاطمة و أمها (۴) علي و فاطمة
- ۱۰- کدام فعل برای جای خالی سؤال و جواب زیر مناسب نیست؟  
 «هل . . . . . إلى البيت؟ نعم، رجعنا إلى البيت.»  
 (۱) رجعتما (۲) رجعوا (۳) رجعتن (۴) رجعتم
- ۱۱- فعل کدام گزینه بر وزن «فعل» می‌باشد؟  
 (۱) هم صعدوا فوق الجبل (۲) هو لعب مع صديقه (۳) أنا ما رجعت إلى بيتي (۴) هُنَّ قربن من بيتهن
- ۱۲- کلمات کدام گزینه متضاد نیستند؟  
 (۱) أمس ≠ غداً (۲) سوداء ≠ أبيض (۳) والد ≠ جدّ (۴) نهاية ≠ بداية



### مفهوم‌ها و

### کاربردها

است.



«**فعل مضارع**»: فعلی است که بیانگر انجام شدن کاری یا روی دادن حالتی در زمان حال و آینده

فعل مضارع در زبان فارسی دارای شش صیغه و در زبان عربی دارای ۱۴ (چهارده) صیغه است.

«**روش ساختن فعل مضارع**»: فعل مضارع را از فعل ماضی می‌سازیم. برای این کار لازم است بدانیم همانگونه که فعل‌های ماضی

دارای وزن و آهنگ مخصوص به خود بودند، فعل‌های مضارع نیز دارای وزن و آهنگ می‌باشند. فعل‌هایی که بر وزن «فَعَلَ، فَعِلَ و فَعَّلَ» باشند ماضی هستند. اما فعل‌های مضارع بر وزن «يَفْعَلُ - يَفْعَلُ - يَفْعَلُ» می‌باشند.

برای ساختن فعل مضارع ابتدا یکی از حروف (أ ت ن ی) را که مخصوص این فعل می‌باشند، به اول فعل ماضی اضافه می‌کنیم، سپس حرف اول فعل را ساکن و حرف آخر فعل را مضموم می‌کنیم. حرکت دومین حرف اصلی ثابت نیست و تغییر می‌کند.

ابتدا معادل اولین فعل مضارع فارسی را می‌سازیم. برای این کار حرف مضارع **أ** را با حرکت فتحه (ـَ) به اول فعل ماضی اضافه می‌کنیم. حرف اول را ساکن و حرف آخر را مضموم می‌کنیم.

مثال: نَجَحَ (ماضی) ← **أَنَجَحُ**: موفق می‌شوم.

حالا معادل دومین فعل مضارع فارسی را می‌سازیم: ابتدا حرف مضارع **ت** را با حرکت فتحه (ـَ) به اول فعل ماضی اضافه کرده، حرف اول را ساکن و حرف آخر را مضموم می‌کنیم.

مثال: نَجَحَ ← **تَنَجَحُ**: موفق می‌شوی

«**نکته**»: چون اسم در زبان عربی برخلاف فارسی به دو نوع مذکر و مؤنث تقسیم می‌شود، پس معادل دومین صیغه فعل مضارع فارسی به دو صورت خواهد بود، یک شکل آن برای مذکر که ساختن آن را آموختیم و دیگری برای مؤنث. اما معادل دومین صیغه فعل مضارع فارسی برای مؤنث کمی با مذکر آن متفاوت است:

(۱) ابتدا حرف مضارع **ت** را به اول ماضی اضافه می‌کنیم.

(۲) اولین حرف اصلی را ساکن می‌کنیم.

(۳) پس از سومین حرف اصلی نشانه‌ی این صیغه از فعل مضارع (ضمیر متصل مخصوص این صیغه یعنی ی) را اضافه می‌کنیم.

(۴) و در نهایت یک (ن) به آخر فعل اضافه می‌شود. مثال: فعل ← تَفْعَلِينَ

معادل «موفق می‌شوی» برای یک زن در عربی: **تَنَجَحِينَ**